

تحلیل رابطه کارآمدی سیاسی و تکلیف‌گرایی در گفتمان امام خمینی علیه السلام

محمد باغستانی کوزه‌گر*

علیرضا محمدی**

چکیده

کارآمدی سیاسی و تلاش برای تحقق اهداف نظام سیاسی، مورد تأکید حضرت امام خمینی علیه السلام است. ایشان در کارآمدی سیاسی، همواره بر لزوم انجام وظایف و تکالیف الهی که بر عهده کارگزاران و دولتمردان و بخش‌های مختلف جامعه است، تأکید داشتند. تکلیف‌گرایی بر کارآمدی سیاسی و مولفه‌های سنجش آن (اهداف، امکانات و موانع) تأثیر مستقیم داشته و ضمن استفاده این نظریه از نکات مثبت سایر نظریات، نمی‌توان کارآمدی نظام اسلامی را بر اساس سایر الگوهای رقیب نظیر رضایت شهروندان، توفیق و ثنوری سیستمی سنجید. میزان کارآمدی سیاسی، تابعی از میزان پایندی اعتقادی و عملی به تکالیف الهی است. ارتقاء سطح کارآمدی سیاسی نیز، اثبات صحت و اتقان ایدئولوژی اسلامی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و استحکام اعتقادی و اهتمام بیشتر جامعه به رعایت تکالیف الهی را به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی

کارآمدی سیاسی، تکلیف‌گرایی، دین و سیاست، نظام سیاسی اسلام، امام خمینی علیه السلام.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل نظام‌های سیاسی و انقلاب‌ها، موضوع کارآمدی سیاسی و موفقیت در

*. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.

mo_baghestani@yahoo.com

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی.

alirezamohammadi_73@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۶

دستیابی به اهداف است که ارتباط مستقیمی با بهبود کل نظام اجتماعی، توسعه کشور، جلب اعتماد مردم، افزایش مشروعیت و تداوم حکومت‌ها دارد. در دوران جدید به علت گستردگی و عمق تأثیرات نظام سیاسی بر سرشت و سرنوشت جامعه و وابستگی شدید و اجتناب‌ناپذیر سعادت، رفاه و امنیت امروز و فردای اقشار و آحاد جامعه به نوع ساختار و شیوه‌های حکومتی، این موضوع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در کشور ما نیز پس از گذشت سه‌دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی با چالش کارآمدی سیاسی مواجه و یکی از سوالات اساسی مطرح در میان نخبگان داخلی و خارجی، بحث کارآمدی نظام سیاسی اسلام می‌باشد. خصوصاً با توجه به گسترش روزافزون بیداری اسلامی در سطح جهان اسلام و رویکرد جدی ملت‌های مسلمان به شریعت اسلامی، این موضوع از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌گردد.

از دیگر سو در بررسی اندیشه سیاسی حضرت امام علیه السلام، با اصل تکلیف‌گرایی و عمل بر اساس وظیفه شرعی مواجه می‌باشیم که در مواضع و تصمیم‌گیری‌های متعدد از زمان شروع نهضت انقلابی خویش تا فرایندهای مختلف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، همواره بر رعایت این اصل تأکید داشته و تصریح کرده‌اند که تمامی رفتارهای ایشان بر اساس عمل به تکلیف بوده است: «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم». (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۶ / ۲۲۰) به همین دلیل در این پژوهش تلاش می‌شود با بررسی و تحلیل محتوای آثار و اندیشه‌های ایشان به عنوان بنیانگذار و طراح نظام جمهوری اسلامی، کارآمدی حکومت و سازوکار تحقق آن خصوصاً از جنبه تکلیف‌گرایی مورد کنکاش و دقت نظر قرار گیرد.

پرسش اصلی تحقیق عبارت است: «در اندیشه سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی تکلیف‌گرایی چه تأثیری بر کارآمدی سیاسی و ارزیابی آن دارد؟» نگارنده در جهت ارائه پاسخی علمی و روشمند، این فرضیه را مورد بررسی قرار می‌دهد که: «تکلیف‌گرایی تأثیر مهمی در تحقق کارآمدی سیاسی و ارزیابی میزان تحقق آن دارد». در این راستا ضمن توضیح و تحلیل «کارآمدی سیاسی» و نظریه‌های مربوطه به بیان مبانی اندیشه سیاسی امام علیه السلام پیرامون مکانیسم تحقق کارآمدی سیاسی در حکومت اسلامی و ارتباط تکلیف‌گرایی با کارآمدی سیاسی و آثار و نتایج آن می‌پردازیم.

کارآمدی سیاسی

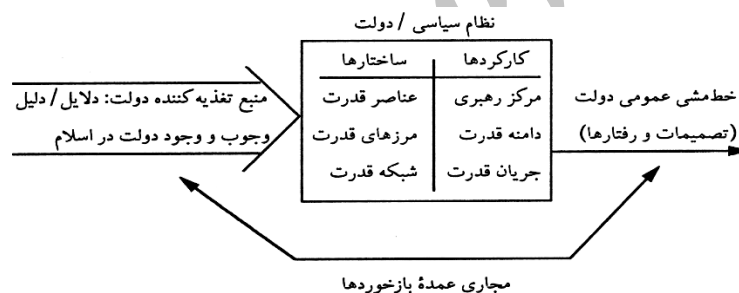
با در نظر گرفتن موضوع این پژوهش، محوری‌ترین مفهوم که در ابتدا باید مورد بررسی قرار گیرد مفهوم کارآمدی است. در گام دوم برای شناخت دقیق‌تر و اهمیت آن، جایگاه کارآمدی در نظام‌های سیاسی و ارتباط آن با موضوعاتی مهم نظیر مشروعیت و انقلاب‌ها ارائه می‌گردد.

۱. مفهوم کارآمدی

این اصطلاح در زبان فارسی به تأثیر، سودمندی، اثربخشی، کارایی و فایده ترجمه شده است. (جعفری، ۱۳۷۷: ۹۶) و در زبان انگلیسی کارآمدی معادل واژه «Effectiveness» است که با کلماتی مانند کارایی، کارآمدی، تأثیر، تأثیرگذاری، اثربخشی مترادف می‌باشد. (حق‌شناس؛ سامعی؛ انتخابی، ۱۳۷۹: ۱ / ۴۷۷) در فرهنگ توصیفی مدیریت نیز به «میزان نیل به اهداف تعیین شده، گفته می‌شود». (زاهدی، الوانی و فقیهی، ۱۳۸۳: ۱۱۱) در فرهنگ علوم سیاسی، این اصطلاح به اثربخشی، تأثیر، توانایی، نفوذ، کفایت و قابلیت و لیاقت معنا شده است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶) و در یک جمع‌بندی «کارآمدی عبارت است از موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع».

۲. نظام سیاسی

نظام سیاسی مجموعه‌ای از نهادها و ساختارهاست که جامعه به وسیله آن، اهداف جمعی خود را در سطح داخلی و بین‌المللی تعقیب می‌کند. با به کارگیری تحلیل سیستمی، ساختارهای نظام سیاسی عبارتند از: ۱. عناصر دولت؛ ۲. مرزهای دولت؛ ۳. شبکه روابط دولت؛ ۴. مخازن یا منابع قدرت دولت. از این منظر درباره کارکرد نظام سیاسی نیز موارد چهارگانه پیش‌رو اهمیت بیشتری دارند: ۱. جریان ارتباطات دولت؛ ۲. مرکز تصمیم‌گیری یا رهبری دولت؛ ۳. بازخوردهای مؤثر در دولت؛ ۴. دامنه قدرت دولت. بدین ترتیب، مجموع آنچه لازم است یک نظریه نظام سیاسی در اسلام در قلمرو بررسی خود لحاظ کند، در نمودار زیر نشان داده شده است: (فیرحی، ۱۳۸۵: ۱۶)



۳. عناصر کارآمدی نظام سیاسی

برای تعیین ملاک‌های ارزیابی کارآمدی یک حکومت، باید عوامل مختلفی را مد نظر قرار داد و بر اساس آن عوامل کارآمدی و ناکارآمدی یک حکومت را تعیین کرد. در حوزه‌های مختلف علمی، اعم از سیاست، مدیریت و اقتصاد، وقتی صحبت از کارآمدی یک مجموعه کارخانه، سازمان و یا یک

حکومت می‌شود، بدین معناست که مجموعه‌های فوق تا چه حد توانسته‌اند با کمترین هزینه و بالاترین سرعت، تحقق اهداف خود را با توجه به مجموعه موانع و کاستی‌ها تأمین کنند. بر این اساس، سه عنصر مهم و کلیدی که در کارآمدی یک نظام نقش دارند عبارتند از: اهداف، امکانات و موانع. (فتحعلی، ۱۳۸۳: ۲۳۰)

کارآمدی = اهداف + امکانات + موانع

۴. جایگاه کارآمدی در نظام‌های سیاسی

کارآمدی یک نظام سیاسی نه تنها موجب تثبیت، تداوم و بقا یک نظام سیاسی می‌شود بلکه با پیشرفت، تعالی و تکامل یک جامعه در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، تکنولوژیکی و سایر جنبه‌های مادی و معنوی حیات بشری، ارتباط مستقیم دارد. به صورت دقیق‌تر می‌توان به برخی از موضوعات ذیل که مبین جایگاه و اهمیت کارآمدی در نظام سیاسی است، اشاره کرد:

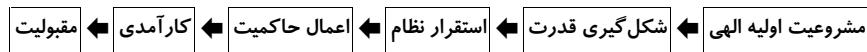
۴ - ۱. اثبات صحت و اتقان یک ایدئولوژی: در طول تاریخ، ایدئولوژی‌ها و مکاتب مختلفی مدعی سعادت بشر و تأمین رفاه، آزادی و امنیت برای بشر بوده‌اند، اما تنها مکاتب و ایدئولوژی‌هایی تداوم یافته‌اند که توانسته‌اند، میان صحت و اتقان اندیشه‌های خود و کارایی و توانایی نظام اجتماعی برآمده از آن در پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی انسان و حل مشکلات جامعه، رابطه مستقیمی برقرار سازند.

۴ - ۲. رابطه کارآمدی و مشروعیت: کارآمدی مربوط به مقدار تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع است؛ و تحقق اهداف نیازمند ساختار، قوانین، روش‌های مناسب کارگزاران کارا است. اگر از دیدگاه فلسفه، کلام و فقه سیاسی به این موضوع نگاه کنیم، این امور متأخر از مشروعیت می‌باشند. اما اگر از دیدگاه جامعه‌شناسانه به این موضوعات بنگریم، نه تنها لزومی بر تقدم مشروعیت بر کارآمدی نیست، بلکه مشروعیت می‌تواند مولود کارآمدی و متأخر از آن باشد. (لاریجانی، ۱۳۷۳ الف: ۳۳ - ۲۷) به عقیده لیپست «کارآمدی مستمر، با گذشت چند نسل می‌تواند به یک نظام سیاسی مشروعیت ببخشد». (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۱) وی این موضوع را در نموداری به شکل ذیل چنین توضیح می‌دهد:

	+	کارآمدی	-
+	A	B	
مشروعیت	C	D	
-			

نمودار: مشروعیت و کارآمدی

نظام‌هایی که در خانه A قرار می‌گیرند از حیث مشروعیت و کارآمدی در بالاترین سطح ممکن قرار دارند. (S.M. Lipset, 1959: 77) در نظام‌های دینی علی‌رغم اینکه کارآمدی تأثیری در مشروعیت (حقانیت) آنان ندارد، اما با این همه کارآمدی می‌تواند، مشروعیت (مقبولیت) را که از دیدگاه جامعه‌شناسانه تأثیر بسزایی در تداوم، پویایی و بالندگی نظام سیاسی دارد به دنبال داشته باشد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳ الف: ۶۵) از این منظر نسبت مشروعیت و کارآمدی بر اساس مشروعیت الهی بدین قرار است:



نمودار رابطه مشروعیت الهی و کارآمدی

۳-۴. کارآمدی و انقلاب‌ها: مؤلفه «تغییر نظام سیاسی» هم به عنوان یکی از اهداف انقلاب‌ها و هم به عنوان یکی از کارکردهای انقلاب مورد توجه جدی است تا جایی که میزان موفقیت و کارآفرینی یک انقلاب را می‌توان با میزان کامیابی آن در جایگزینی نظم سیاسی مطلوب سنجید. بدیهی است نظم سیاسی جدید به هر مقدار که بتواند اهدافی را که انقلابیان از انقلاب خویش داشتند، برآورده سازد به همان اندازه آن انقلاب کارآمد محسوب می‌شود:

کارآمدی انقلاب = جایگزینی نظم سیاسی مطلوب + میزان موفقیت نظام سیاسی جدید در تحقق اهداف انقلاب.

در غیر این صورت اگر نظام سیاسی جدید و عملکرد آن مطابق با اهداف انقلاب نباشد، آن انقلاب ناکارآمد خواهد بود.

کارآمدی سیاسی از منظر بنیانگذار جمهوری اسلامی

نیم‌نگاهی به مباحث کارآمدی ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که کارآمدی و شاخصه‌های آن با مبانی معرفتی و جهان‌بینی و نظام ارزشی حاکم بر نگاه اندیشمندان، جوامع و نظام‌های بشری در ارتباط می‌باشد. در عین حال مشخص‌ترین شاخصه‌های کارآمدی یک نظام سیاسی را می‌توان در حفظ ثبات سیاسی؛ قدرت تطبیق نظام با شرایط جدید؛ جلب مشارکت، تبعیت و حمایت مردم؛ پاسخ‌گویی به مطالبات، خواسته‌ها و نیازهای مردم؛ توجه به مصالح و منافع عمومی؛ برقراری عدالت، رفاه، امنیت، آزادی و سایر اهداف و ارزش‌هایی که مورد انتظار جامعه می‌باشند، دانست. اکنون با توجه به تعریف انتخابی و شاخصه‌های فوق پیرامون کارآمدی سیاسی به بررسی این موضوع از منظر بنیانگذار جمهوری اسلامی می‌پردازیم. در این راستا، ابتدا لازم است این موضوع تبیین گردد که از

نظر ایشان یک نظام سیاسی مطلوب و کارآمد باید چه اهدافی را دنبال کند و از چه امکانات و ظرفیت‌هایی (اصول، ابزار، منابع و ...) برای رسیدن به این اهداف بهره ببرد؟ موانع عدم دستیابی به اهداف کدام است؟

۱. اهداف حکومت

اهداف حکومت را می‌توان به دو دسته اهداف غایی (نهایی) و اهداف متوسط (ابزاری) تقسیم کرد که تحقق این اهداف، وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف غایی است.

یک. اهداف غایی

ایشان در تعریف سیاست بر دو مقوله «اصلاح» و «هدایت» تأکید می‌کنند:

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت است. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۲۱۸ - ۲۱۷)

کارآمدی حکومت از نظر ایشان، تربیت انسان‌ها برای رسیدن به کمال می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۵ / ۱۰۹) و هدف غایی حکومت اسلامی نیز تأمین سعادت بشر است. (همان: ۱۳ / ۲۱۸ - ۲۱۷) و سعادت راستین با گام نهادن در صراط مستقیم و عمل به دستورات شرع مقدس حاصل می‌شود. لذا وظیفه اصلی حکومت فراهم ساختن زمینه‌های رشد و تعالی انسان‌ها برای رسیدن به این مرحله است.

دو. اهداف متوسط

با مطالعه بیانات و آثار مکتوب حضرت امام و توجه به اقدامات عملی ایشان، می‌توان موارد دیگری را نیز به عنوان اهداف و وظایف حکومت مطرح کرد که در حقیقت همان اهداف متوسط و میانی حکومت به حساب می‌آید. این اهداف عبارتند از:

۱ - ۲ - ۱. تعلیم و تربیت: ایشان یکی از اهداف و وظایف حکومت اسلامی را تعلیم و تربیت، تزکیه جامعه و فراهم کردن زمینه رشد و تعالی معنوی افراد آن می‌دانست:

ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم و باز به این دلیل موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی را برای تربیت افراد مؤمن و بافضیلت فراهم سازیم. (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۰)

۱ - ۲ - ۲. آزادی: ایشان آزادی را «حق اولیه» بشر دانسته (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳ / ۵۱۰) و همواره بر تحقق آن به عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب تأکید می‌کند: «ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام، آزادی به ما بدهد نه آزادی منهای اسلام» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۷۰) و در مصاحبه‌های

مطبوعاتی به انواع آزادی مثل آزادی عقیده و ابراز آن، آزادی مطبوعات، زنان، اقلیت‌های مذهبی و اصناف و احزاب اشاره و تأکید می‌کند که در حکومت اسلامی تمام این آزادی‌ها با رعایت قیود خاص خود وجود دارد. ایشان مهم‌ترین قیود آزادی را قانون اسلام و رعایت مصالح عمومی ملت و وابسته بودن به بیگانگان می‌داند. (داستانی بیرکی، ۱۳۸۰: ۷۷ - ۶۸)

۱ - ۲ - ۳. حاکمیت قانون اسلام: قانون و قانون‌مندی نقش تعیین‌کننده‌ای در کارآمدی و کارآمدسازی دارد. از این رو ایشان قانون‌گرایی را راه رسیدن به هدف جامعه، یعنی برقراری عدالت می‌دانند که در صورت تحقق، باعث تربیت انسان کامل و فاضل می‌شود:

اسلام به قانون نظر آلی دارد؛ یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند. وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است. (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۵ - ۹۴)

۱ - ۲ - ۴. عدالت، امنیت و رفاه: امام خمینی یکی از اهداف مهم حکومت اسلامی را تحقق مساوات، اجرای عدل اسلامی و عدالت می‌دانست که آثار بی‌شماری در زمینه بسط امنیت و رفاه عمومی، شکوفایی استعدادهای بشر، تعالی و سعادت همه‌جانبه او دارد. (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۵۳) از این منظر باید عدالت اسلامی اجرا شود تا ضمن دستیابی جامعه به رفاه و نیازهای اساسی خود، زمینه‌های شکوفایی استعدادها، سعادت و تکامل انسان، پیشرفت و استقلال کشور فراهم گردد.

۱ - ۲ - ۵. استقلال و خودکفایی: از نظر حضرت امام کشور زمانی مستقل است که جز به منافع ملی و مصالح مکتب خویش نیاندیشد و رهبران در تصمیم‌گیری از نفوذ بیگانگان به دور باشند:

باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا و شوروی و انگلستان - این جهانخواران بین‌المللی - استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد. (همان: ۲)

مهم‌ترین محورهای استقلال از این منظر، استقلال فکری، فرهنگی، اقتصادی، علمی و سیاسی است. برای رسیدن به استقلال در ابعاد مختلف، بر خودشناسی، خودباوری، اعتماد به نفس، احیای میراث فرهنگی، عزم ملی در به وجود آوردن انسان‌های متعهد برای اداره جامعه و ... اصرار می‌ورزد. (فوزی، ۱۳۸۸: ۱۷۵)

۲. امکانات کارآمدی

امکانات، شامل اصول و ابزارهای مورد نیاز برای کارآمدی است که در دو بخش اصول و ابزارها مطرح می‌شود:

یک. اصول

منظور از آن، اصول فکری حاکم بر رفتار حکومت و دولتمردان است که از جهان‌بینی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه متأثر می‌باشد. اصولی که از این منظر باید در نظام سیاسی اسلام حاکم باشد تا منجر به کارآمدی آن شود، عبارت است از:

- ۱-۲ - ۱. مشروعیت الهی: مشروعیت الهی، حس رضایت‌مندی، اطمینان، فداکاری و مسئولیت در حاکمان و مردم را بالا می‌برد و از این طریق بر کارآمدی نظام می‌افزاید. (صنّعی منفرد، ۱۳۸۰: ۱۰۵)
- ۱-۲ - ۲. مبانی اعتقادی و فقهی: این مبانی نیز از اصول مهم و مؤثر در کارآمدی نظام سیاسی است؛ اعتقاد و باور به خدامحوری و وحی‌گرایی، نبوت، امامت و تداوم ولایت‌مداری، معاد و عدل از اموری‌اند که در کنار احساس مسئولیت در برابر خداوند، موجب می‌شوند تا عالم‌ترین و عادل‌ترین فرد در جایگاه حاکم قرار گیرد و رهبر جامعه، الگوی جامعه و در صف مقدم عمل باشد. و ضمن به وجود آوردن انگیزه‌های متعالی در رفتار و گفتار به دلیل لزوم پاسخ‌گویی در قیامت دقت شود. (همان) همچنین یکی دیگر از این مبانی، عدالت‌محوری است که پایبندی به این اصل تأثیرات مهمی در ابعاد مختلف حکومتی از ترسیم اهداف تا شرایط انتخاب حاکمان، برنامه‌ریزی و روش‌های اجرایی و چگونگی نیل به اهداف دارد. مبنای اندیشه‌ای مهم دیگر در اندیشه امام‌زاده^(ع) به تبع از مبانی شیعه عقل‌گرایی است؛ عقل‌گرایی، انعطاف‌پذیری و مطابقت احکام با شرایط زمان و مکان را موجب می‌شود و خود عامل مهمی در کارآمدی حکومت در زمینه چگونگی مواجهه و پاسخ‌گویی با نیازهای جدید جامعه می‌باشد.
- ۱-۲ - ۳. رعایت مصلحت عمومی: از منظر ایشان «در اسلام، مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشند». (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۳۳۵) تأکید ایشان بر این مسئله تا حدی است که معتقد بودند حفظ حکومت در راه تحقق مصلحت از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمامی احکام فرعی می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۲۰: ۱۸۰) ایشان با سیره عملی خود نشان دادند که در هر زمان، برای پیشبرد اهداف اسلام و کارآمدی حکومت اسلامی می‌توان در چارچوب «احکام ثانویه» و در قالب «مصلحت نظام» به قانونگذاری پرداخت و رسیدن به مصلحت نظام و مردم را «متضمن هر اقدام نظری و عملی در این زمینه» می‌دانستند. (صدرا و کرزاده، ۱۳۸۸: ۱۱۹)
- ۱-۲ - ۴. توجه به مقتضیات زمان و مکان: یکی از ویژگی‌های اندیشه سیاسی منطقی و کارآمد، انعطاف‌پذیری است؛ یعنی ضمن دارا بودن اصول ثابت، به تناسب شرایط زمان و مکان، از انعطاف هم برخوردار باشد. ایشان در نامه‌ای به اعضای شورای نگهبان می‌نویسد:

یکی از مسایل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست ... باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام

در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۲۱۸-۲۱۷)

از آنجا که تحولات دنیای معاصر، وضعیت زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی انسان را دستخوش دگرگونی‌های عظیمی ساخته، بدون توجه به دو عامل زمان و مکان نمی‌توان کارآمدی و نقش فعال دین را در دنیای معاصر تضمین کرد.

۲- ۱- ۵. مردم‌سالاری دینی: ایشان با تأسیس مدل جمهوری اسلامی، آن را به مفهوم تکیه نظام سیاسی بر آرای اکثریت ملت دانست که در این جمهوری، یک مجلس ملی مرکب از منتخبان واقعی مردم امور مملکت را اداره خواهد کرد. (همان: ۴ / ۲۴۴) وی دموکراسی را از اصول لازم برای کارآمدی نظام سیاسی می‌دانست تا از این طریق اهداف اسلامی حکومت محقق شود.

۲- ۱- ۶. خدمتگزاری: ایشان دولت اسلامی را دولت خدمتگزار می‌داند که کارآمدی آن در خدمت کردن مسئولین به مردم است. در چنین حکومتی، مسئولیت، تنها وسیله‌ای برای خدمتگزاری به مردم است؛ «خود را جز خدمتگزار به ملت‌های ستم‌دیده ندانید». (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۲۰ / ۸-۷) واضح است که در چنین حکومتی که مسئولان خود را خدمتگزار مردم بدانند قطعاً در جهت منافع و مصالح آنها قدم برخواهند داشت و این خود کارآمدی حکومت را به شدت افزایش می‌بخشد.

دو. ابزار

از دیدگاه امام علیه السلام افزون بر اعتقاد مسئولین به اصول پیش گفته برای تحقق کارآمدی، لازم است ابزارهای ذیل نیز در نظام اسلامی استفاده شود که عبارتند از:

۲- ۱- ۱. نظارت و کنترل همگانی: افزون بر کنترل‌های ساختاری و سازمانی در درون سیستم سیاسی، نظارت و کنترل عمومی که از ناحیه مردم در قالب امر به معروف و نهی از منکر اعمال می‌شود نیز عاملی بسیار مؤثر برای کنترل مسئولین و حرکت به سوی کارآمدی است. در این زمینه ایشان علاوه بر پذیرش دستاوردهای جدید بشر در عرصه حکومتی، نظیر قانون اساسی، جمهوریت و تفکیک قوا و سایر کنترل‌های سازمانی، معتقد بودند هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمانان را استیضاح و از او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است. (همان: ۴ / ۱۹۰)

۲- ۲- ۲. نیروی انسانی متعهد و متخصص: شایسته‌سالاری و استفاده از نیروهای متعهد و متخصص از امکانات و ابزار مهم برای کارآمدی شدن حکومت است. ایشان نیز بر لزوم استفاده از این ابزار تأکید داشته و تنها راه شایستگی ملت و کشور را شایستگی دولت آن می‌داند:

بدبختی و خوشبختی ملت‌ها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیئت حاکمه است. اگر چنانچه هیئت حاکم، کسانی که مقررات یک کشور در دست آنهاست، اینها فاسد باشند، مملکت را به فساد می‌کشند، همه بُعدهای مملکت را رو به نیستی و فساد می‌برند. (همان: ۲۰ / ۲۲۰)

۲ - ۲ - ۳. مشارکت و همکاری: مشارکت و همیاری مردم با دولت در زمینه‌های گوناگون اجتماعی از ملاک‌های توسعه، پیشرفت و کارآمدی نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود. هر اندازه مردم در تصمیم‌سازی‌ها و به عهده گرفتن مسئولیت‌ها سهم بیشتری داشته باشند، توسعه، پیشرفت و کارآمدی بیشتر خواهد بود. ایشان نیز همواره بر مشارکت و همکاری مردم با حکومت تأکید می‌کرد و آن را ضامن امنیت جامعه می‌دانست. (همان: ۲ / ۲۵۸ - ۲۵۷)

۲ - ۲ - ۴. قواعد و مقررات مناسب: در کنار ابزارهای فوق که در تحقق اهداف نظام سیاسی اسلام و کارآمدی آن مؤثرند، یکی دیگر از عوامل مهم کارآمدی یک نظام سیاسی، وجود قواعد و مقررات مناسب با واقعیات هستی، ابعاد وجودی انسان و سرنوشت وی است. وی همواره بر دین اسلام به عنوان دینی کامل، جامع و جاودانی تأکید داشته و سعادت واقعی بشر را در گرو انجام این مقررات مترقی می‌دانستند:

اسلام اگر آن طور که هست، موفق بشویم که احکام آن را اجرا بکنیم، برای همه شما سعادت ایجاد می‌شود، برای همه ملت سعادت ایجاد می‌شود. اسلام دین آزادی و استقلال است، اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند. (داستانی بیرکی، ۱۳۸۰: ۲۰)

۲ - ۲ - ۵. حسن تدبیر و مدیریت: مدیریت صحیح یکی از شرایط و شاخص‌های مهم یک حکومت شایسته و کارآمد است. حضرت امام علیه السلام همواره بر این ویژگی تأکید کرده و افزون بر اجتهاد مصطلح، برخورداری از بینش سیاسی صحیح و قدرت تصمیم‌گیری را از شرایط رهبری می‌داند:

اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد، بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد. (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۲۱ / ۴۷)

۲ - ۲ - ۶. جلب اعتماد و رضایت مردم: اعتماد سیاسی و کارآمدی با یکدیگر در ارتباط بوده و بر یکدیگر تأثیر گذارند. از نظر ایشان نیز یکی دیگر از ابزارهای لازم برای تحقق کارآمدی، اعتماد

سیاسی مردم به دولتمردان است. به عنوان نمونه ایشان در زمینه جلب اعتماد مردم برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور و به کار انداختن سرمایه‌های داخلی در راه رسیدن به خودکفایی، خطاب به مسئولان دولتی چنین بیان می‌دارد:

به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیت‌های سازنده به کار افتد و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برساند. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۱۳۶)

۳. موانع کارآمدی سیاسی

با بررسی آثار و بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود که ایشان دوری از اهداف انقلاب و به خدمت نگرفتن امکانات مناسب را - که در بخش‌های قبلی گذشت - عاملی برای ناکارآمدی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی می‌دانست. از دیدگاه ایشان عوامل موجهه و یا پدید آورنده انقلاب و نظام اسلامی همان علت مبغیه آن است. به گونه‌ای که انحراف از اهداف و عوامل، خود منجر به ناکارآمدی و عدم تحقق اهداف انقلاب و نظام اسلامی می‌شود. از این رو ایشان همواره نسبت به عواملی از قبیل انحراف از ارزش‌های اسلامی و اخلاقی، اختلاف و تفرقه، بی‌تفاوتی سیاسی، خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب، سوء مدیریت، وابستگی و تحریف تاریخی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، بی‌توجهی به مردم، غفلت از توطئه‌های دشمنان، به عنوان موانع و آسیب‌های انقلاب و نظام اسلامی در دو سطح داخلی و بین‌المللی هشدار می‌دادند. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۷ / ۳۷۶)

تکلیف‌گرایی از منظر امام خمینی علیه السلام

با بررسی آثار و بیانات متعدد ایشان، در طول دوران مبارزه و رهبری، واژگانی از قبیل تکلیف و وظیفه دینی دارای فراوانی زیادی بوده و ایشان از شروع قیام خود تا دعوت مردم به مبارزه و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی و همراهی و همیاری برای تحقق اهداف و رفع موانع، همه را از این زاویه تبیین می‌کند.

۱. مفهوم تکلیف‌مداری

واژه تکلیف در لغت به معانی متعددی آمده است؛ از جمله: «به رنج افکندن، بار کردن، به گردن گذاشتن، کاری سخت و شاق را به عهده کسی گذاشتن، وظیفه‌ای که باید انجام شود، اوامر و نواهی خداوند بر بندگان». (معین، ۱۳۵۷: ۳۰۷) یا معادل واژه «مسئولیت» است که در لغت به معنای: «موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می‌باشد». (دهخدا، ۱۳۴۶: ۳۴ / ۴۴۷) در اصطلاحات

علوم اسلامی از منظر فلسفی، کلامی، فقهی، عرفانی، اخلاقی و حقوقی قابل بررسی است (دانشنامه جهان اسلام: ۱ / ۳۸۰۳) و در این تحقیق منظور از تکلیف‌گرایی؛ «عمل به یک سلسله دستورها و قوانینی (احکام ثابت یا متغیر، نظیر احکام اولی، ثانویه و حکومتی) که از طرف شارع مقدس وضع شده و به وسیله پیامبران به ما ابلاغ شده که در نتیجه عمل به آن، می‌توان به سعادت دنیا و آخرت رسید».

۲. چیستی تکلیف و تکلیف‌گرایی

یکی از دلایل و محرک‌های کنش‌های سیاسی، انگیزه انجام وظیفه و تکالیف الهی است و امام علیه السلام نیز چنین رویکردی داشتند. این نوع نگاه ناشی از مبانی فلسفه سیاسی و نحوه نگرش ایشان نسبت به جهان، انسان، جامعه و تاریخ است؛ (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۵۰) انسان آفریده خداوند است و در مقابل همه نعمت‌هایی که از جانب خداوند به او داده شده، مسئول است. ارتباط او با خویش، طبیعت و سایر انسان‌ها نیز تحت‌الشعاع این ارتباط است. محور اساسی حرکت وی در ارتباط با خدای دو جهان است و دنیایش را مزرعه آخرت می‌داند؛ چون انسان قبل از اینکه در مقابل هر شخص دیگری مسئول باشد در مقابل خداوند مسئول است. «معیار»، کسب رضای خداست و «میزان»، اجرای فرمان‌های اوست. بر این اساس از منظر ایشان، در گزینش و ادای سه وظیفه «حیوانی و طبیعی»، «انسانی» و «الهی»، انسان مسلمان وظیفه الهی را از همه برتر می‌داند و لذا موجودی تکلیف‌گراست. (همان: ۲۵۱) در یک جمع‌بندی از منظر ایشان پیرامون تکلیف‌گرایی:

الف) تکلیف امری همگانی بوده و شامل تمام افراد و اقشار جامعه می‌شود.

ب) تکلیف امری تابع قدرت و توان آدمی است. لذا در حد توان و امکان صورت می‌گیرد.

ج) با توجه به انطباق و ملازمه حکم عقل با شرع، بین شرعی بودن تکلیف با وجدانی یا عقلی بودن آن، تعارضی نمی‌بینند. هر چند طرح آن به عنوان امری الهی و قدسی بر اهمیت آن افزوده و آن را نزد مکلف پراهمیت‌تر جلوه داده است.

د) عمل به تکلیف - در عرصه‌های مختلف حیات بشری - را پیروزی بزرگ و بهترین نتیجه می‌داند که افزون بر رضایت خداوند، سعادت دنیوی و اخروی بشر در گرو آن است.

ه) بین تکلیف‌گرایی با تلاش علمی و عملی و برنامه‌ریزی برای حصول نتیجه مطلوب هیچ منافاتی نیست. چنان که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این موضوع می‌فرماید:

رابطه «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن» چیست؟ امام فرمودند: ما دنبال تکلیف هستیم. آیا این معنایش این است که امام دنبال نتیجه نبود؟ چطور می‌شود چنین چیزی را گفت؟ امام بزرگوار که با آن شدت، با آن حدت، در سنین کهولت، این همه

سختی‌ها را دنبال کرد، برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد، می‌شود گفت که ایشان دنبال نتیجه نبود؟ حتماً تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ برخلاف تکلیف عمل نکند، ضدتکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ والا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود؛ دنبال نتایج بودند. مگر می‌شود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد؟ نه. البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل می‌کند، اگر یک وقتی هم به نتیجه مطلوب خود نرسید، احساس پشیمانی نمی‌کند؛ خاطرش جمع است که تکلیفش را انجام داده. اگر انسان برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل نکند، وقتی نرسید، احساس خسارت خواهد کرد؛ اما آنکه نه، تکلیف خودش را انجام داده، مسئولیت خودش را انجام داده، کار شایسته و بایسته را انجام داده است و همان‌طور که قبلاً گفتیم، واقعیت‌ها را ملاحظه کرده و دیده است و بر طبق این واقعیت‌ها برنامه‌ریزی و کار کرده، آخرش هم به نتیجه نرسید، خب احساس خسارت نمی‌کند؛ او کار خودش را انجام داده. بنابراین، اینکه تصور کنیم تکلیف‌گرایی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه نظر نداشته باشیم، نگاه درستی نیست ... بنابراین تکلیف‌گرایی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند ببیند این نتیجه چگونه به دست می‌آید، چگونه قابل تحقق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راه‌های مشروع و میسر، برنامه‌ریزی کند. (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶)

۳. شاخصه‌های تکلیف‌گرایی

با بررسی سیره نظری و عملی امام علیه السلام، می‌توان به این نتیجه مهم دست یافت که «انجام تکلیف» از مهمات شاخصه‌های اصلی در فرایندهای و مراحل مختلف قیام و انقلاب، نظام‌سازی و رهبری نظام اسلامی توسط ایشان بوده است؛ امام، قیام علیه حکومت‌های ظالم، مبارزه با استبداد و استعمار، تشکیل حکومت دینی، اطاعت از ولی فقیه، حفظ نظام اسلامی، آزادسازی میهن اسلامی، مبارزه با اسرائیل و آمریکا و ایادی او در جهان، دفاع از مستضعفین و ملت فلسطین، آزادسازی قدس، صدور انقلاب، تشکیل هسته‌های مقاومت اسلامی و حزب‌الله را از مصادیق وظایف و تکالیف الهی مسلمانان داخل و خارج کشور دانسته و بر تحقق عینی آنها تأکید و از منظر تکالیف الهی، مسئولان و مردم را موظف به رعایت این امور می‌داند. به عنوان نمونه ایشان برنامه‌ریزی برای انجام صحیح وظایف دینی در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی را واجب می‌دانند، چنان‌که در پیام قبول قطعه‌نامه ۵۹۸ می‌فرمایند:

برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱: ۸۹)

۴. آثار و نتایج دیدگاه تکلیف‌گرایانه

بررسی آثار و سیره حضرت امام علیه السلام، مبین این موضوع است که از منظر ایشان محرک اساسی انسان در فعالیت‌ها و کنش‌های مختلف فردی و اجتماعی - سیاسی چیزی جز انجام وظیفه الهی نیست. این رویکرد آثار و نتایج مهمی به دنبال دارد از قبیل؛ اطمینان و آرامش روحی، احساس پیروزی در همه حالات، استقبال از خطر و عدم توجه به میزان کامیابی، قاطعیت در عمل به تکلیف و طرد مسامحه، جدیت بیشتر در انجام وظیفه، شرعی شدن همه رفتارهای سیاسی، اهتمام به احکام شرعی در عرصه اجتماع. به طور کلی گرایش به تکلیف و ادای آن در نگاه ایشان به گونه‌ای است که عمل به تکلیف را پیروزی بزرگ و بهترین نتیجه می‌داند که سعادت واقعی دنیا و آخرت را به دنبال خواهد داشت. ایشان رسیدن به مقاصد را به دست اراده الهی دانسته و به صرف انجام وظیفه نتیجه‌ای را که تحت قدرت مکلف است حاصل شده می‌داند:

اگر انسان به وظیفه الهیه موفق شود، نتیجه حاصل است؛ به نتیجه منظوره برسد یا نه ... وصول به مقاصد و عدم آن بسته به اراده الهیه است و بر ما تکلیفی نیست.
(همان: ۲۲ / ۷۱)

البته همه آنچه ذکر شد به معنای عدم قبول شکست در مقاصد سیاسی نیست و به تعبیر ایشان، گاهی شکست ظاهری هم پیش می‌آید که باید از آن نیز پرهیز کرد، اما با توجه به وجود پیروزی معنوی و واقعی در انجام تکالیف الهی، شکست ظاهری به معنای شکست کامل و واقعی نیست.
(قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۶۳)

مقایسه کارآمدی سیاسی در اندیشه امام علیه السلام با سایر نظریات

اکنون این موضوع مطرح می‌شود که برای تحقق راهبردها و اهداف مطلوب، چه راهکاری مدنظر حضرت امام علیه السلام بوده و ایشان کارآمدی و موفقیت نظام اسلامی را چگونه امکان‌پذیر دانسته و از چه منظری ارزیابی می‌کرد؟

مروری بر نظریه‌های کارآمدی

متفکران سیاسی ضمن تبیین راهکارهای کارآمدی یک نظام، دیدگاه‌های خود را پیرامون چگونگی سنجش این موضوع بیان داشته‌اند. (لاریجانی، ۱۳۷۴) در ادامه به معرفی و ارزیابی چند نظریه شاخص در باب سنجش کارآمدی می‌پردازیم:

۱. نظریه توفیق: بر اساس این نظریه، هر سیستم یا حکومتی برای بررسی کارآمدی خود باید

توفیقات نهایی خود را مورد ارزیابی قرار دهد. منظور از توفیقات نهایی، رسیدن به اهداف اصلی و ذاتی است، فارغ از اینکه ابزارها و روش‌های نیل به اهداف کدامند و چگونه به دست آمده‌اند. آنچه مهم است مجموعه توفیقاتی است که نقداً به دست آمده‌اند.

۲. نظریه سیستم: روش تحلیل سیستم‌ها، نظریه‌ای برای تحلیل شیوه تکوین، استحکام، استمرار، تحول و زوال انواع نظام‌های سیاسی است. هنگامی که از این نظریه برای سنجش کارآمدی نظام سیاسی استفاده می‌شود، کارآمدی آن نظام مبتنی بر قدرت تهیه ورودی، نحوه انجام عملیات روی آنها، نحوه سازماندهی خروجی و حفظ استمرار در تعادل سیستم است. (لاریجانی، ۱۳۷۳ ب: ۸۲)

۳. نظریه رضایت مردم: در این تئوری شاخصه سنجش کارآمدی سیاسی، میزان جلب رضایت مردم یا طبقه و قشر خاصی که از اهمیت و تأثیر برخوردارند، می‌باشد.

۴. نظریه تکلیف‌مداری: در این تئوری با تبیین و تعیین شاخص‌ها و محورهایی که وظایف و تکالیف نظام سیاسی را مشخص می‌کند، میزان التزام و تحقق این تکالیف، ملاک کارآمدی نظام دانسته می‌شود. صرف نظر از اینکه این وظایف در عرصه عمل تا چه حدی به «توفیق» دست یافته‌اند و یا میزان رضایت مردم در تحقق این تکالیف چقدر است، صرف انجام تکلیف، حاکی از کارآمدی است.

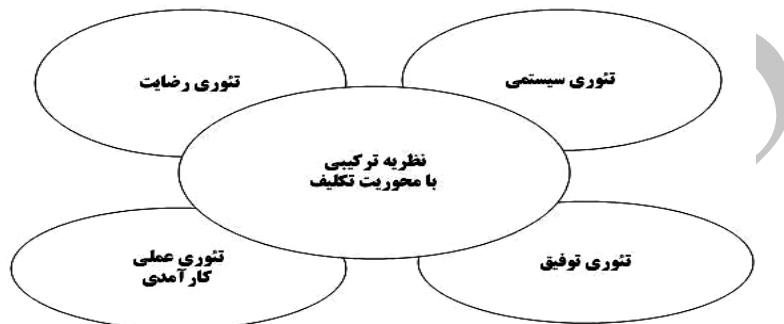
۵. نظریه عملی کارآمدی: این تئوری برای هر عمل ارادی، سه رکن قائل است؛ اول: فهم عامل از وضع موجود؛ دوم: فهم عامل از وضعیت مراد؛ سوم: برنامه عمل برای رسیدن به وضع مراد، که مجموعه‌ای از اقدامات به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد. با در نظر گرفتن این سه رکن می‌توان نسبت به بررسی کارآمدی سیاسی اقدام کرد. (لاریجانی، ۱۳۷۳ الف: ۹۰)

تطبیق نظریه‌های کارآمدی با دیدگاه امام خمینی علیه السلام

تأمل در مبانی نظری، آثار و اندیشه‌های امام علیه السلام و سیره سیاسی و عملی ایشان پیرامون نظام اسلامی و فضای ارزشی جامعه اسلامی، ما را به این نتیجه می‌رساند که ملاک و شاخص اصلی و اصیل در سنجش کارآمدی نظام سیاسی «انجام تکالیف» است و عمل به تکالیف دینی از مهمات و شاخصه‌های اصلی در سنجش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی می‌باشد؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، رویکرد ایشان به مبانی و کارکردهای حکومت با نظام‌های سیاسی سکولار متفاوت است؛ از یک سو با پذیرش حاکمیت الهی، مشروعیت در دیدگاه ایشان مبتنی بر پایه‌های انسانی و فراتر انسانی است و از سوی دیگر اهداف و کارویژه‌های نظام اسلامی، منحصر در تأمین نیازهای مادی و این جهانی نبوده و در کنار این مهم لازم است حکومت دینی به تعالی و تکامل معنوی و زمینه‌سازی برای

سعادت ابدی انسان همت گمارد. در نتیجه، بحث کارآمدی و شاخصه‌های آن نیز باید متناسب با این نوع نگاه، سامان یافته تا بتواند از جامعیت لازم برخوردار شود. از این رو با مطالعه و بررسی نظریات مختلف پیرامون کارآمدی نظام سیاسی از یکسو و نظریه سیاسی و رویکرد بنیانگذار جمهوری اسلامی به حکومت و ابعاد مختلف آن از سوی دیگر، می‌توان به این نتیجه رسید که هرگونه تلاش برای تحلیلی تک بُعدی با تمسک به یکی از نظریات مذکور، فاقد کارایی است و از این رو اتخاذ یک «نظریه ترکیبی» لازم است (ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۲۶ - ۱۲۱) که دارای ویژگی‌های تکلیف‌محوری، جامعیت و در برداشتن نکات مثبت و قابل پذیرش سایر نظریه‌های رقیب و ارتقاء سطح کارآمدی می‌باشد.

نمودار نظریه ترکیبی با محوریت تکلیف



به عنوان نمونه تلاش و تدبیر برای تحقق اهداف و دستیابی به توفیق نظام سیاسی و تأمین کارویژه‌های آن، از قبیل انسجام و وحدت جامعه و ایجاد و گسترش و تعمیق هنجارهای مشترک و ... بخشی از تکلیف است که بدون اهتمام بدان، انجام تکلیف محقق نمی‌شود. پس همان‌طور که روشن است این نگاه در برگزیده تئوری توفیق بوده و هدف آن را مورد توجه قرار می‌دهد. یا اینکه جلب رضایت مردم در چارچوب تعالیم الهی و به خصوص ترجیح رضایت توده مردم بر رضایت صاحبان قدرت، از تکالیف مهم حکومت دینی است؛ البته نه آن گونه که از نظریه رضایت مردم بر می‌آید، که تنها شاخص کارآمدی را «رضایت» بدانیم و آن را به طور مطلق و عام، تنها ملاک قرار دهیم. چنان که امام علیه السلام ضمن تأکید بر ضرورت جلب رضایت مردم، آن را در چارچوب «برای رضایت خدا» می‌داند نه به صورت مطلق و از هر راهی.

امروز مردم از وضع دولت مطلعند و شما مردم را برای پشتیبانی از خود لازم دارید. دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کار بکند و هر یک از ادارات و وزارتخانه‌ها باید

این مسئله را مد نظر داشته باشند که برای رضای خدا، مردم را راضی نگهدارند و اگر شما تاریخ پنجاه سال سلطنت را ملاحظه کنید، آنوقت تکلیف خودتان را می‌دانید که با مردم بودن چیست و بدون ملت چیست. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۶ / ۴۹۳)

همچنین ضمن استفاده از رویکرد سیستمی، می‌توان به اهمیت نگرش تکلیف‌گرایانه در انجام کارآیی‌های نظام سیاسی و مراحل مختلف آن (وروی، خروجی، تبدیل، تطبیق و تطابق) پرداخت (عابدینی، ۱۳۸۹: ۲۵) شاخصه‌های اصلی کارآمدی سیاسی از منظر تکلیف‌گرایی دینی را می‌توان در دو مرحله تشخیص تکلیف (اهمیت دادن به اطلاعات؛ اهتمام به کارشناسی و توانایی‌های علمی و تجربی جامعه؛ تدوین استراتژی کلان؛ اهتمام به برنامه‌ریزی و مقتضیات زمان و مکان؛ ایجاد نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری عقلانی؛ رعایت دو اصل واقع بینی و آرمان‌گرایی) و انجام تکلیف (ایجاد ساختارها و سامان‌دهی مناسب؛ قانون‌گرایی؛ شایسته‌سالاری؛ مشورت و کارشناسی؛ مشارکت مردمی؛ نظارت و پاسخ‌گویی) بیان کرد (ذو علم، ۱۳۸۵: ۱۲۶ - ۱۲۵) که توجه جدی و رعایت این شاخصه‌ها، نقش مهمی در جهت‌دهی عملکرد و تلاش نظام سیاسی برای عمل به کارویژه‌های خویش و ارتقاء سطح رضایت‌مندی جامعه و مشروعیت، تداوم و پایداری و کارآمدی نظام سیاسی دارد.

تأثیرات تکلیف‌گرایی بر کارآمدی سیاسی

در یک جمع‌بندی در بررسی این موضوع می‌توان به عواملی پرداخت که در کنش‌ها و کارآمدی سیاسی، نقش داشته و نگاه تکلیف‌گرایانه در ارتقاء میزان موفقیت آنان تأثیرگذار است. این عوامل عبارتند از:

۱. مشروعیت نظام سیاسی: در نظام سیاسی دینی مبتنی بر نگرش تکلیف‌مدارانه، مشروعیت الهی و توأم با مقبولیت مردمی، از یک‌سو موجب رعایت شایسته‌سالاری و واجدیت صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و مدیریتی از سوی رهبری نظام و سایر مراتب مدیریتی بوده و از دیگر سو، مبانی عقلانیت دینی و مقبولیت مردمی آن، در پذیرش، حمایت و رضایت‌مندی مردم نقشی اساسی ایفا می‌کند. بدین گونه رعایت الزامات و تکالیف دینی در حوزه سیاسی هم در مشروعیت و هم در ارتقاء سطح کارآمدی سیاسی تأثیر گذار است.

۲. انگیزه: کنش سیاسی در برنامه‌ریزی و اقدام، نیازمند انگیزه است و یکی از دلایل و محرک‌های کنش‌های سیاسی، انگیزه انجام وظیفه و تکالیف الهی است؛ در گزینش و ادای سه وظیفه «حیوانی و طبیعی»، «انسانی» و «الهی»، انسان مسلمان وظیفه الهی را از همه برتر می‌داند و لذا موجودی تکلیف‌گراست که باعث می‌شود کنشگر سیاسی ضمن به وجود آوردن انگیزه‌های متعالی، در رفتار و گفتار خویش - به دلیل لزوم پاسخ‌گویی در قیامت - دقت و جدیت مضاعفی کند؛

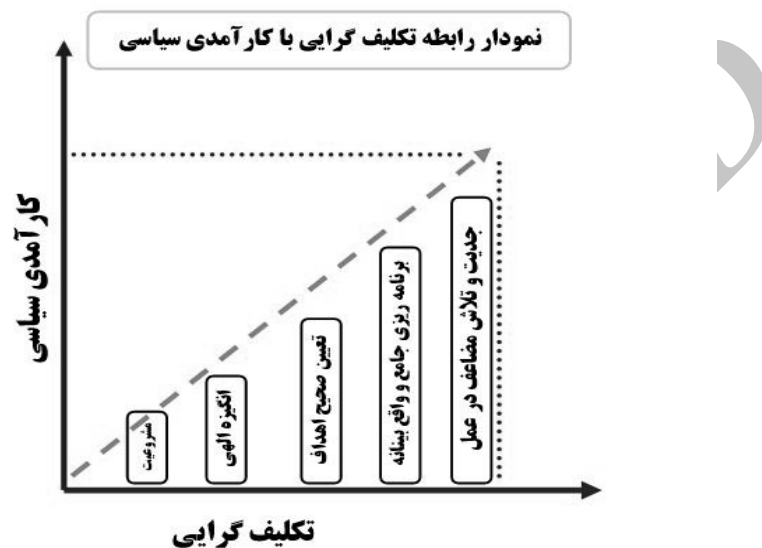
زیرا از آنجا که قوانین و مقررات از شرع مقدس برگرفته شده، از قداست برخوردار است و عمل به آن افزون بر آنکه وظیفه قانونی و حقوقی است، صبغه عبادی به خود می‌گیرد. از این رو رعایت قانون علاوه بر پاداش حقوقی و قانونی (موجود در سایر نظام‌ها)، از ثواب و پاداش الهی برخوردار است و نقض قانون و مقررات نیز علاوه بر جریمه و کیفر حقوقی و قانونی، گناه و عقاب اخروی دارد. لذا انگیزه مردم و مسئولین برای انجام وظایف فردی، اجتماعی، سیاسی ... مضاعف می‌شود.

از سوی دیگر تلاش برای شناخت صحیح تکالیف دین در عرصه‌های مختلف و انجام آن با انگیزه الهی، به آرامش درونی و نفی ترس و اضطراب در مواجهه با مشکلات و موانع می‌انجامد. بالاخره اینکه برخلاف کنش‌های سیاسی که با هدف وصول به نتیجه است و یک سیاستمدار همواره در یک بازی به سر می‌برد که احتمال برد و باخت در آن وجود دارد، اما در دیدگاه تکلیف‌گرا، پیروزی نه بر اساس وصول به هدف بلکه بر اساس عمل به تکلیف با نیت خالص، سنجیده می‌شود. بدین‌گونه انگیزه عمل به تکالیف الهی یکی از امکانات معنوی است که از ابعاد مختلف در جهت تلاش برای موفقیت نظام سیاسی در عمل به کارویژه‌های خویش تأثیرگذار است.

۳. اهداف: نظام‌های سیاسی الهی مبتنی بر پایه جهان‌بینی دینی، علاوه بر تأمین اهداف مادی، برای ارزش‌های معنوی و سعادت اخروی جایگاه ویژه‌ای قائل‌اند. توجه توأمان به همه مصالح مادی و معنوی، سعادت دنیوی و اخروی بشر هدف این نظام‌هاست. هدف غایی یک حکومت کارآمد، رساندن بشر به سعادت حقیقی است و در تحقق این هدف غایی، فراهم ساختن زمینه‌های رشد و تعالی انسان‌ها با تلاش برای دستیابی به اهداف متوسط از قبیل اصلاح جامعه و تعلیم و تربیت، ادای حقوق و آزادی‌های مشروع، حاکمیت قانون اسلام، تحقق عدالت اجتماعی، تأمین نیازهای مادی، امنیت و رفاه، استقلال و خودکفایی کشور، از وظایف و اهداف میانی حکومت بر اساس دیدگاه تکلیف‌گرایانه به شمار می‌رود و نقش مهمی در عملکرد سیستم سیاسی، خروجی‌ها و مرحله تبدیل و ... دارد. جامعیت و مطابقت این اهداف با واقعیات هستی، ابعاد وجودی و سرنوشت انسان، تأثیرات شگرفی در ترسیم سیاستگذاری‌های صحیح و همه‌جانبه، جلب اعتماد، حمایت و همکاری جامعه برای حصول کارآمدی سیاسی و تأمین توأمان سعادت دنیوی و اخروی، به دنبال دارد.

۴. برنامه‌ریزی: رویکرد تکلیف‌مدارانه با توجه به لحاظ و رعایت مؤلفه‌هایی نظیر اهمیت دادن به اطلاعات، دانش، تجربه و کارشناسی، شرایط و امکانات محیطی، تدوین استراتژی کلان متناسب با شاخص‌های آرمانی، واقع‌بینانه و انعطاف‌پذیر، ایجاد نظام تصمیم‌سازی عقلانی و عقلایی و متناسب با چارچوب نظام قانونی، اجتهاد مستمر، توجه به مقتضیات زمان و مکان و ... در برنامه‌ریزی‌های خود، باعث ارتقاء سطح کارآمدی سیاسی می‌گردد.

۵. سعی و تلاش عملی: از آنجا که عمل سیاسی بر اساس تکلیف‌گرایی، به دلیل رضایت خداوند متعال است - که در صورت اهمال قبل از هر کس باید پاسخ‌گوی خداوند حکیم و خبیر باشد - و انجام وظایف دینی، سعادت دنیوی و اخروی را به دنبال دارد، تلاش برای تحقق آن، از استحکام بیشتری برخوردار است. وجهه تکلیف و وظیفه دینی، همه این امور را جدی و الزام‌آور می‌سازد، بین آنها هماهنگی ایجاد می‌کند و در عین حال نقش و کارکرد هر کدام را مشخص می‌کند. افزون بر این، سیاستمدارانی که با اغراض الهی و تکلیف‌گرایانه اقدام می‌نمایند، شجاعت و بی‌باکی زایدالوصفی داشته و پس از تشخیص وظیفه - بر اساس شاخصه‌های مربوطه - و احتمال وصول آن، از هیچ خطری هراس ندارند. یکی دیگر از آثار دیدگاه تکلیف‌گرایانه، ترک مسامحات عرفی و دیپلماتیک است؛ چراکه پس از تشخیص وظیفه شرعی دیگر جایی برای ملاحظات سیاسی و ... وجود ندارد.



بدین گونه تکلیف‌گرایی بر عوامل پنج‌گانه مذکور نقش جدی داشته و باعث ارتقاء سطح کارآمدی سیاسی نظام اسلامی و نزدیک شدن مستمر جامعه به وضعیت مراد و مطلوب می‌شود. بر این اساس، کارآمدی نظام سیاسی اسلام از منظر حضرت امام علیه السلام تنها با نظریه ترکیبی با محوریت انجام تکلیف قابل انطباق است و میزان کارآمدی سیاسی، تابعی است از میزان پابندی اعتقادی و عملی به تکالیف الهی. از سوی دیگر، میان کارآمدی سیاسی با تکلیف‌گرایی رابطه متقابل برقرار است؛ همان‌گونه که تکلیف‌گرایی از ابعاد مختلف بر کارآمدی سیاسی تأثیر گذار است، ارتقاء سطح کارآمدی سیاسی نیز، اثبات صحت و اتقان ایدئولوژی اسلامی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، و استحکام اعتقادی بیشتر جامعه و اهتمام بیشتر به رعایت تکالیف الهی را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه

امام خمینی علیه السلام از زاویه جهان بینی توحیدی، به سیاست و مدیریت جامعه نگرسته و کارآمدی نظام اسلامی، عناصر و شاخصه‌های آن در این چارچوب معنا می‌یابد. کارآمدی به مفهوم موفقیت در تحقق اهداف، با توجه به امکانات و موانع و با شاخصه‌هایی نظیر؛ حفظ نظام اسلامی، قدرت تطبیق نظام با شرایط جدید، جلب مشارکت، تبعیت و حمایت مردم، پاسخ‌گویی به مطالبات، خواسته‌ها و نیازهای مردم، توجه به مصالح و منافع عمومی، برقراری عدالت، رفاه، امنیت، آزادی و سایر اهداف و ارزش‌هایی که مورد انتظار جامعه اسلامی است، همواره مورد اهتمام ایشان می‌باشد. در مورد تکلیف‌گرایی نیز؛ نگرش وی نسبت به کنش‌های انسانی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، نگرشی مبتنی بر عمل به وظایف الهی است. تکلیف‌گرایی هیچ تعارضی با محاسبات، تدابیر عقلانی و مصلحت‌گرایی ندارد؛ چراکه تدبیر، کارشناسی، برنامه‌ریزی بر اساس مصلحت و تشخیص آن، خود نوعی تکلیف‌گرایی است.

در نظام سیاسی دینی مبتنی بر نگرش تکلیف مدارانه، مشروعیت الهی توأم با مقبولیت مردمی، موجب رعایت شایسته‌سالاری، پذیرش عقلانی، حمایت و حس رضایت‌مندی مردم، می‌شود. انگیزه الهی، احساس مسئولیت مضاعف مسئولین و جامعه، اطمینان خاطر و فداکاری آنان را به دنبال دارد. جامعیت و مطابقت اهداف با واقعیات هستی، ابعاد وجودی و سرنوشت انسان، تأثیرات شگرفی در ترسیم سیاست‌گذاری‌های صحیح و همه‌جانبه، جلب اعتماد، حمایت و همکاری جامعه برای حصول کارآمدی سیاسی و تأمین توأمان سعادت دنیوی و اخروی، را به دنبال دارد.

همچنین با توجه به اهمیت دادن به اطلاعات، دانش، تجربه و کارشناسی، انعطاف‌پذیری و ایجاد نظام تصمیم‌سازی عقلانی و عقلایی و ... در برنامه‌ریزی‌های خود، باعث ارتقاء سطح کارآمدی سیاسی می‌گردد. و بالأخره کسب رضایت خداوند، سعادت دنیا و آخرت و نجات از عذاب اخروی، تلاش عملی و مجدانه را به دنبال دارد. بر این اساس کارآمدی نظام سیاسی اسلام از منظر بنیانگذار جمهوری اسلامی تنها با نظریه ترکیبی با محوریت انجام تکلیف قابل انطباق است و میزان کارآمدی سیاسی، تابعی است از میزان پابندی اعتقادی و عملی به تکالیف الهی.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آقابخشی، علی، ۱۳۷۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
۳. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۳، ب، «پاسخ‌گویی و کارآمدی»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳۴، زمستان ۸۳.

- تحلیل رابطه کارآمدی سیاسی و تکلیف‌گرایی در گفت‌وگو با امام خمینی علیه السلام □ ۱۰۹
۴. _____، الف، ۱۳۸۳، «درآمدی بر کارآمدی نظام سیاسی اسلام»، تهران، دانش و اندیشه معاصر.
 ۵. _____، ۱۳۹۰، ولایت مطلقه فقیه از دیدگاه امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 ۶. اسپریگنز، توماس، ۱۳۶۵، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، آگاه.
 ۷. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۲، در جستجوی راه امام از کلام امام، تهران، امیرکبیر.
 ۸. _____، ۱۳۶۵، شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۹. _____، ۱۳۶۹، وصیت‌نامه سیاسی الهی، تهران، نشر اسوه.
 ۱۰. _____، ۱۳۷۲، کوثر، مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۱. _____، ۱۳۷۴، ولایت فقیه، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۲. _____، ۱۳۷۷، حکومت اسلامی، قم، خرم.
 ۱۳. _____، ۱۳۸۳، صحیفه نور، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی.
 ۱۴. _____، ۱۳۸۷، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۵. _____، بی‌تا، کشف الاسرار، قم، آزادی.
 ۱۶. باوی، محمد، ۱۳۸۴، «تأملی در روش شناسی مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه حضور، پائیز ۸۴، ش ۵۴.
 ۱۷. بی‌تا، ۱۳۷۸، نگرشی موضوعی بر وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
 ۱۸. جعفری، محمدرضا، ۱۳۷۷، فرهنگ نشر نو، تهران، تنویر.
 ۱۹. حق‌شناس، علی محمد و حسین سامعی و نرگس انتخابی، ۱۳۷۹، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
 ۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۲، بیانات در دیدار دانشجویان: <http://farsi.khamenei.ir>.
 ۲۱. زاهدی، شمس‌السادات و سید مهدی الوانی و ابوالحسن فقیهی، ۱۳۸۳، فرهنگ جامع مدیریت، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
 ۲۲. داستانی بیرکی، علی، ۱۳۸۰، آزادی در اندیشه امام خمینی علیه السلام، بیان، دفتر بیست و هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۳. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۶، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. ذوعلم، علی، ۱۳۸۵، *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. سایت دانشنامه جهان اسلام: <http://www.encyclopaedislamica.com>
۲۶. صدرا، علیرضا و مسلم کرم‌زادی، ۱۳۸۸، «بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، ش ۵۳، پاییز ۸۸.
۲۷. صنیعی‌منفرد، محمدعلی، ۱۳۸۰، *رساله‌ای در تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مهندسی سیستم‌ها و علم مدیریت*، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء.
۲۸. عابدینی، آرش، ۱۳۸۹، *بررسی شاخص‌های کارآمدی و کارایی نظام جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ع)*، تهران، دفتر مطالعات فرهنگی مجلس.
۲۹. فتحعلی، محمود، ۱۳۸۳، *مبانی اندیشه اسلامی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۰. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۸۵، «روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی (ع)، *روزنامه قدس*، شنبه ۱۳ خرداد.
۳۱. فوزی، یحیی، ۱۳۸۸، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، قم، دفتر نشر معارف.
۳۲. فیرحی، داود، ۱۳۸۵، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، سمت.
۳۳. قاضی‌زاده، کاظم، ۱۳۷۷، *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۳۴. گلریز، حسن، ۱۳۶۸، *فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی*، تهران، مرکز آموزش بانکداری.
۳۵. لاریجانی، محمدجواد، ۱۳۷۲، *حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی*، تهران، صدا و سیما.
۳۶. _____، ۱۳۷۳ ب، *حکومت و مبانی کارآمدی*، مجلس و پژوهش، ش ۱۰، سال دوم، تیر و مرداد.
۳۷. _____، ۱۳۷۳ الف، *حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی*، تهران، سروش.
۳۸. _____، ۱۳۷۴، *مشروعیت و کارآمدی*، تهران، سروش.
۳۹. _____، ۱۳۷۵، «حکومت کارآمد دینی یا دموکراسی مشروع»، *کیان*، ش ۳۰، اردیبهشت و خرداد.
۴۰. _____، ۱۳۷۷، *تدین، حکومت و توسعه*، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.

تحلیل رابطه کارآمدی سیاسی و تکلیف‌گرایی در گفت‌وگو با امام خمینی علیه السلام □ ۱۱۱

۴۱. لک‌زایی، نجف، ۱۳۸۹، «روشناسی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام»، مجله علمی پژوهشی

رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۳، پاییز ۸۹.

۴۲. لیست سیمور، مارتین، ۱۳۷۴، «مشروعیت و کارآمدی»، ترجمه رضا زبیب، فرهنگ توسعه، سال

چهارم، شماره ۱۸، خرداد و تیر ۷۴.

۴۳. _____، ۱۳۸۳، *دایره المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی، تهران، وزارت امور خارجه.

۴۴. معین، محمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.

۴۵. مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، ۱۳۷۵، *گزیده مقالات سیاسی - امنیتی*، تهران، بینش.

۴۶. نوروزی خیابانی، مهدی، ۱۳۷۴، *فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی*، تهران، نشر نی.

S.M. Lipset, 1959, *Political man, The social basis of politics*, New York, Doubleday.

Archive of SID

تحليل العلاقة بين الفاعلية السياسية والمسؤولية

فى خطاب الامام الخمينى (رض)

محمد باغستاني كوزه *

على رضا محمدى **

الخلاصة

الفاعلية السياسية والسعى من اجل تحقيق اهداف النظام السياسى، هو ما يؤكد عليه الامام الخمينى (رض). وقد كان يؤكد دائما فيما يتعلق بالفاعلية السياسية على لزوم القيام بالوظائف والمسؤوليات الالهية التى انيطت بالمسؤولين ورجال الدولة ومختلف شرائح المجتمع. لان المسؤولية تترك اثرا مباشرا على الفاعلية السياسية وعناصر وملاكات تقويمها وقياسها (الاهداف، الامكانيات، والعقبات والموانع).

وهذه النظرية التى تستفيد من ايجابيات النظريات الاخرى، لا يمكنها قياس فاعلية النظام الاسلامى على اساس النماذج المنافسة، كرضى المواطنين، والموقفية والنظرية المنظومية. فالفاعلية السياسية هنا، تكون تبعا لميزان وحجم الالتزام العقدى والعملى بالتكاليف والمسؤوليات الالهية. كما ان رفع مستوى الفاعلية السياسية، سينتج عنه اثبات صحة واتقان الايدولوجية الاسلامية فى الاستجابة الى المتطلبات المجتمعية وفى الاستحكام العقائدى واهتمام المجتمع بشكل افضل بمراعاة الالزامات الربانية.

المصطلحات الاساسية

الفاعلية السياسية، الشعور بالمسؤولية، الدين والسياسة، النظام السياسى الاسلامى، الامام الخمينى.

*. عضو الهيئة العلمية فى المعهد العالى للعلوم و الثقافة الاسلاميه و استاذ فى جامعة آزاد فرع مشهد.

mo_baghestani@yahoo.com

** طالب دكتوراه فى قسم المعارف الاسلامية فرع الثورة الاسلامية فى جامعة علامه طباطبايى.

alirezamohammadi_73@yahoo.com